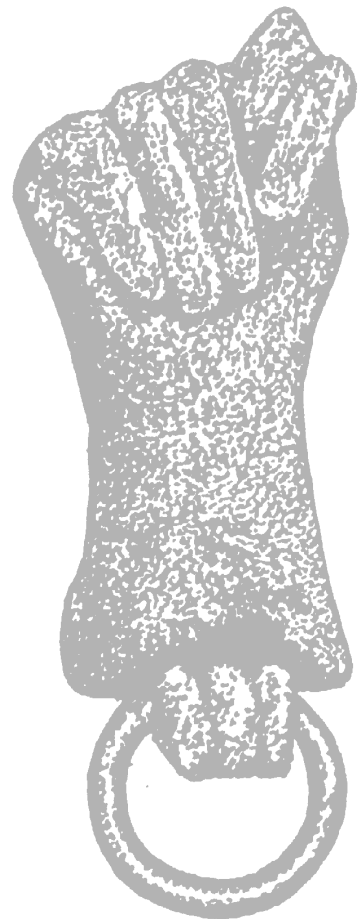


وجود گسست‌های متعدد
فرهنگی در ایران، ظاهراً
دیگر، کسی را متعجب
نمی‌سازد. اما این که
پاگان‌یسم (کافرکیشی)
ایرانی را نادیده بینگاریم و
تولد ایران را از آغاز
سلطنت کورش بدانیم و
نادیده بگیریم که سرزمین
ایران دارای تمدن و
فرهنگی است که دست‌کم
چهار هزار و پانصد سال
قدیمی‌تر از بنیاد
گذاشته شدن کشور ایران به
دست کورش است، خاک
روی مهتاب کردن است

رشته‌ی ادیان ایرانی پژوهش درباره‌ی جاهلیت
ایرانی در دوران پیش گاهانی یعنی در زمانی
پیش از سروده شدن گات‌های زردشت پیغمبر،
به نحوی، دوباره کاری به شمار رفته است.
به این ترتیب عملاً کسی پژوهش در زمانی
درباره‌ی کافرکیشی ایرانی را جدی نگرفته
است. چند پژوهش‌گر را، از جمله ریچارد فرای و
کتابیون مزدایور، می‌توان نام برد که آغازگر
پژوهش درباره‌ی پاگان‌یسم ایرانی بوده‌اند. اما،
به هر حال بررسی دین‌هایی که حدود چهار هزار
و پانصد سال پیش از اختراع خط برای زبان‌های
ایرانی در سرزمین ایران وجود داشته‌اند کاری
نیست که از دست چند تن برآید.

وجود گسست‌های متعدد فرهنگی در ایران،
ظاهراً دیگر، کسی را متعجب نمی‌سازد. اما این

که پاگان‌یسم ایرانی را نادیده بینگاریم و تولد ایران را از آغاز سلطنت کورش
کبیر بدانیم و نادیده بگیریم که سرزمین ایران دارای تمدن و فرهنگی است که
دست‌کم چهار هزار و پانصد سال قدیمی‌تر از بنیاد گذاشته شدن کشور ایران به
دست کورش بزرگ است، خاک روی مهتاب کردن است.



پژوهش شده است، کار بنیادی دیگری درباره‌ی
پاگان‌یسم ایرانی صورت نگرفته است.

با توجه به این که خط تنها در سال هجدهم
سلطنت داریوش یکم هخامنشی برای زبان‌های
ایرانی اختراع شد، در حالی که در بین‌النهرین و
مصر خط پنج هزار ساله است. پس در مورد
زبان‌های ایرانی خط فقط دو هزار پانصد سال دارد.
خط حافظه‌ی تاریخ است. قدمت حافظه‌ی تاریخ
ایران نصف قدمت حافظه‌ی تاریخ بین‌النهرین
است. با توجه به جوان بودن تاریخ در ایران و وجود
ماقبل تاریخ طولانی و غنی و متنوع در ایران،
تعجب‌آور است که چرا پاگان‌یسم (کافرکیشی)
ایرانی تا این اندازه مهجور مانده است.

شاید یکی از علت‌های نادیده گرفته شدن
کافرکیشی ایرانی آن باشد که دین‌های ایرانی

سده‌ی هفتم میلادی یعنی دین زردشتی و زروانی و مانوی و مزدکی و
دین‌های مربوط به ایزدان کهن و ایزدان متأخر و دین‌های مربوط به
سفره‌های سپندینه‌ی سه‌گانه و دین‌های مربوط به پیرها جمعاً حکم جاهلیت
ایرانی را برای اسلام در ایران پیدا کرده‌اند. لذا، برای دانشمندان متخصص در

پاگانیسم ایرانی

فرنگیسی مزدایور



روزانه می‌توان آن را گفت و نخود و کشمش قصه خوانده شده را میان مردم قسمت کرد. نخود مشکل‌گشا هنوز در بعضی جاها دارای سفره است. مائده‌ی سه افسانه‌ای روزانه برگزار می‌شود.

سفره‌ی بی بی سه‌شنبه هفتگی است. سفره‌ی وهمن‌روز ماهانه است. سفره‌ی دختر شاه‌پریان سالانه است. سه سفره‌ی سپندینه و مائده‌ای با سه افسانه را به شکل همزمانی بررسی کردم. اما، آن‌گاه که خواستم نوشته را برای چاپ آماده کنم بهتر دیدم که سفره‌ی سپندینه و مائده‌ای با سه افسانه را به طور در زمانی نیز بررسی کنم. بررسی در زمانی سه سفره سپندینه و مائده‌ای با سه افسانه نشان داد که دین‌های مربوط به این سفره‌های روزانه و هفتگی و ماهانه و سالانه خود مرحله‌ی میانی دوران پاگانیسم (کافرکیشی) ایرانی‌اند. پاگانیسم ایرانی، تا اندازه‌ای که من از عهده‌ی بررسی آن برآمده‌ام، ظاهراً تاکنون چندان جدی گرفته نشده است. جز چند بررسی، مثلاً افسانه‌ی پری در هزار و یکشب اثر کتایون مزدایور که آن هم عمدتاً به طور همزمانی

در یاد بهار (یادنامه‌ی دکتر مهرداد بهار) مجموعه‌ی مقالات، ویراستاران علی‌محمد حق‌شناس و دیگران، آگه، تهران: ۱۳۷۶) ص ۳۸۷ مدعی شده‌ام که سرشاری زندگانی شاید فقط محصول تفکر منطقی نباشد، بلکه میراث مشترک و همگانی بشر یعنی اسطوره‌ها توانسته باشند به فرهنگ بشری غنای بیشتری ببخشند. من بر این ادعای خود مصرم و تصور می‌کنم از روی ساده‌اندیشی و غفلت ما، ایرانیان، از بخش بزرگی از زندگانی سرشار خود محروم مانده‌ایم. این بخش پاگانیسم ایرانی یا کافرکیشی ایرانی است.

در سال ۱۹۷۹ بررسی سفره‌های مقدس زردشتی را به پایان رسانیدم. سفره‌های مقدس زردشتی شامل سه سفره‌ی سپندینه است و مائده‌ای با سه افسانه. مائده‌ی سه افسانه‌ای یعنی نخود مشکل‌گشا دارای سه قصه‌ی مقدس است به نام‌های قصه‌ی پیر خارکن و قصه‌ی شاه اشتادایزد و قصه‌ی مار که